



آیین تشییع پیکر پورشیرازی نوازنده ارکستر برگزار شد کوک وداع

روز گذشته، جمعی از هنرمندان موسیقی در تالار وحدت جمع شده بودند تا برای آخرین بار با دوست و همکاری قدیمی خود وداع کنند؛ وداع با پورنگ پورشیرازی نوازنده کنترباس ارکستر سمفونیک تهران که چند روز گذشته به دلیل بیماری سرطان چشم از جهان نمانده و در گوشه‌ای از حیاط تالار نوازندگان ارکستر با لباس‌های مشکي حضور داشتند تا با موسیقی او را به خانه ابدی بدرقه کنند.

حمیدرضا نوربخش، مدیرعامل خانه موسیقی ضمن عرض تسلیت به خانواده پورنگ پورشیرازی در جملاتی بیان داشت: «متأسفانه قریب به دو سال است که تنها برای غم، عزّا و بدرقه یک عزیز دور هم جمع می‌شویم. دیگر حرف‌های ما ته کشیده است. واژه‌ای نمانده و یک بغض دائمی همراه ما است. از خدا بخواهیم این درد تمام شود... روزگاری است که هر روز یک خبر بد که دیگر شگفت آور هم نیست به

گوش ما می‌رسد، روزگاری که اجل کنار گوش ما است.» او این هنرمند را یکی از سرمایه‌های هنری ایران خواند و گفت: «از دیرباز که در هنرستان موسیقی بوده‌ام تا به امروز دغدغه نوازنده داشته‌ایم و همگان می‌دانیم این هنرمندان جایگزین ندارند و سرمایه‌های مهم فرهنگی و هنری ما هستند که باید قدر آنها را بیشتر بدانیم و با هم مهربان‌تر باشیم، این مهربانی خیلی

هم با کوچکترها داشت و در کنار آن با احترام بسیار با بزرگ‌ترها رفتار می‌کرد، تکلیف ما همسلاان او هم که مشخص است.»

این نوازنده ویلن در ادامه به نقش تأثیرگذار این هنرمند اشاره کرد و افزود: «بعد از درگذشت آقای خورشیدفر مسئولیت سنگینی به پورنگ سپرده شد که البته او به خوبی از عهده آن برآمد اما صد افسوس که او را هم خیلی زود از دست دادیم و پیدا

کردن جایگزینی همچون پورنگ پورشیرازی کار بسیار سختی است و امیدوارم قدر نوازندگان را بیشتر بدانیم تا مهجور نمانند.» پانته‌آ نیز در این مراسم متنی را قرائت کرد و در ادامه مراسم تشییع پیکر پورنگ پورشیرازی عده‌ای از نوازندگان به روی صحنه رفتند و به یاد این نوازنده ناوختند. محمود شالویی، محمد الهیاری، مهدی افضلی، شهرام صارمی،

جاوید مجلسی، آرش امینی، بابک چمن‌آرا، مزدا انصاری، بهزاد عبدی، احمد صدری، رضا شایسته، میلاد عمرانلو، محمدرضا صفی، سینا جهان آبادی، امین غفاری، آرین قیطاسی، پدرام فریوسفی، صابر جعفری، بامداد افشار و... جمعی دیگر از نوازندگان ارکستر سمفونیک تهران، ارکستر موسیقی ملی و ارکسترهای دیگر از جمله هنرمندانی بودند که در این مراسم حضور داشتند.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

هنر؛ رساترین زبان برای رساندن عظمت پیام انقلاب اسلامی است



کره فرهنگی؛ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی عصر روز چهارشنبه با حضور در موزه هنرهای معاصر فلسطین از خلق اثر عظیم نقاشی «در نای سیمبرغ تجلی» اثر حبیب‌الله صادقی با محوریت روایت تصویری تاریخ انقلاب از پیروزی تا شهادت سردار سپهد حاج قاسم سلیمانی بازدید کرد و در این باره گفت: «هنر؛ رساترین زبان برای رساندن عظمت پیام انقلاب اسلامی است.» اسماعیلی افزود: «با افتخار می‌گویم که آقای صادقی با وقت، انرژی و تفکری که برای خلق این اثر گذاشتند مجموعه گرانبها و عظیمی را با محوریت تاریخ انقلاب خلق کرده‌اند که این بسیار مسرور کننده است.»

▪ **تشکیل سازمان صنایع فرهنگی یکی از برنامه‌های مهم دولت است**

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در اختتامیه دومین دوره جایزه طراحی بسته‌بندی در صنایع فرهنگی که در پارک فناوری دانشگاه علم و فرهنگ برگزار شد، از تشکیل سازمان صنایع فرهنگی برای ارتقای اقتصاد فرهنگی، خبر داد و گفت: «این سازمان یکی از برنامه‌های مهمی است که در آینده به انجام خواهد رسید اما هنوز تصمیم گرفته نشده که زیرمجموعه کدام نهاد باشد.» محمد مهدی اسماعیلی توجه به مقوله فرهنگ را از اولویت‌های دولت سیزدهم دانست و گفت: «پس از آن که پیشنهاد شد مسئولیت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را بپذیرم به‌دنبال راهی برای پیشرفت صنایع فرهنگی بودم و یکی از برنامه‌های مهم من، تدوین برنامه‌هایی برای صنایع فرهنگی بود.» محمد مهدی اسماعیلی، افزود: «در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز ما جایگاهی برای صنایع فرهنگی پیش‌بینی کردیم و دولت ۳۰ برنامه تحولی برای کشور در نظر گرفته که یکی از آنها تهیه سند تحول صنایع فرهنگی است که در حال نهایی شدن است و تشکیل سازمان صنایع فرهنگی، یکی از برنامه‌های مهمی است که در آینده به انجام خواهد رسید اما هنوز تصمیم گرفته نشده که زیرمجموعه کدام نهاد باشد.»

▪ **آیین نامه برگزاری کنسرت‌های موسیقی تغییر نیکرده است**

همچنین وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به ایرنا گفت: «جز محدودیت‌های مربوط به کرونا، شرایط کلی برگزاری کنسرت‌های موسیقی مانند گذشته و بدون تغییر در آیین‌نامه‌ها است.» اسماعیلی در پاسخ به این سؤال که آیا برای برگزاری کنسرت‌ها محدودیتی وجود دارد یا نه، تأکید کرد: «برگزاری کنسرت‌ها طبق همان شیوه‌نامه‌های سابق خواهد بود و هیچ تغییری در آیین نامه رخ نداده است. محدودیت‌های مربوط به کرونا تنها نکته‌ای است که در این زمینه باید مد نظر قرار بگیرد.» وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره شروع روند ارسال درخواست‌های برگزاری کنسرت‌های موسیقی، گفت: «نوبت دهی در معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آغاز شده است. برای عادی‌سازی همه فعالیت‌های فرهنگی و هنری در شهرهایی که قرمز نیستند، مصمم هستیم و اجتماعاتی مثل تئاتر و کنسرت در شهرها برگزار می‌شود.» او خاطرنشان کرد: «بر اساس برنامه زمانبندی که در حال انجام است، برگزاری کنسرت‌ها از ابتدای آذرماه از سر گرفته می‌شود تا این فعالیت‌ها نشاط و انگیزه را در جامعه هنری افزایش دهد.»

▪ **کتاب «با چشمانی باز» نوشته سیدمحمد سادات اخوی راهی بازار کتاب شد.** این کتاب در ۲۶۰ صفحه قطع رقعی با شمارگان هزار نسخه و قیمت ۴۳ هزار تومان توسط انتشارات به‌نشر آستان قدس رضوی منتشر شده است. /ایسنا

▪ **آثار بذیرفته‌شده بخش معرکه‌ها، آیین‌ها و بازی‌های نمایشی یادواره زنده‌یاد استاد محمود استادمحمد بیستمین جشنواره نمایش‌های آیینی و سنتی معرفی شدند.** /ایرنا

▪ **یاسر احمدوند معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بر ضرورت بازارسازی برای نوشت‌افزار ایرانی تأکید کرد و گفت: باید با حرکت به سمت بازارسازی از نظام پارانه‌ای دور شویم.** /ایرنا

▪ **جشنواره بین‌المللی فیلم «جکسونویل» در فلوریدای امریکا بخش ویژه‌ای را به فیلم‌های کوتاه ایرانی اختصاص داده است.** در این رویداد سینمایی که از ۴ تا ۶ فوریه ۲۰۲۲ برگزار می‌شود، در بخش ویژه‌ای در مجموع ۹ فیلم کوتاه ایرانی به نمایش گذاشته می‌شود. /ایسنا

▪ **فیلم سینمایی «شنای پروانه» به کارگردانی محمد کارت و تهیه‌کنندگی رسول محمد عاملی برنده جایزه بهترین فیلمنامه از جشنواره فیلم‌های آسیایی بارسلونا شد.** /ایرنا

▪ **چهلمین دوره جشنواره فیلم فجر در حالی قرار است همزمان با چهل و سومین سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی برگزار شود که برای دومین دوره پیاپی شرایط برگزاری آن با اما و اگرهایی روبه‌رو است.** حدود سه ماه به ایام جشنواره باقی مانده و منتوان آن سه سوره‌یو را برای برگزاری جشنواره در نظر گرفته‌اند. اولین گزینه طبق روال سال‌های معمول است یعنی علاوه بر داوران و اهالی رسانه، تماشاگران هم می‌توانند فیلم‌های برگزیده را ببینند. در صورت ایجاد محدودیت‌ها، داوران و سینماگران و اهالی رسانه بدون تماشاگران به نمایش آثار برگزیده خواهند نشست و در نهایت در صورت بحرانی بودن شرایط برگزاری جشنواره و نمایش فیلم‌های برگزیده صرف‌فایر داوران مجاز خواهد بود. این اطلاعات در فراخوان جشنواره ذکر شده که روز گذشته (چهارشنبه ۱۹ آبان‌ماه) منتشر شد. نگاهی به فراخوان جشنواره نشان می‌دهد که عطای دوسیمر بهترین فیلم اول و بهترین فیلم بویانمایی به اما و اگرهایی مشروط‌شده است. /روابط عمومی جشنواره

نگاهی به محتوای سریال پرمخاطب کره‌ای «بازی مرکب»

بازی مرکب در ناگجاآباد

وصال روحانی

خبرنگار

مجموعه تلویزیونی «بازی مرکب» شاید حاوی یک بازی غریب و معادله خیالی باشد اما در قالب یک استعاره نیز نشانگر وضع اسفبار تشکیلاتی در غرب و بیانگر مصایب زندگی مردم عادی در آن سامان است.

سریال‌های تلویزیونی کره‌جنوبی در ۲۵ سال اخیر طرفداران فراوانی داشته‌اند و هر فرد که سری به شهر سنول زده، لایند متوجه شده که انواع نمایش‌ها در کره بینندگان متعددی دارند و این گونه برنامه‌ها در تضاد با «تاک‌شو»های رایج در غرب هستند که به‌جای صحبت رودرروی مجری با یک میهمان تعداد زیادی از اجرا کننده‌ها و هنرمندان جوان را در بر دارند و آنها به‌جای نشستن در داخل استودیو در محل‌های عمومی مثل پارک‌ها، مغازه‌های بزرگ یا سطح خیابان‌ها مشاهده می‌شوند، اگرچه آنان به بازی‌هایی سطحی مثل قایم باشک و طناب‌بازی مشغول هستند اما فضایی شاد را ایجاد می‌کنند که خصلت و هدف اصلی این گونه نمایش‌ها است.

▪ **ترکیبی از یاس و امید**

با این مقدمات پیش‌آگاهی‌ها پخش سریال جدید و موفق به نام «بازی مرکب» از تلویزیون کره که اینک به سطح دنیا هم بسط یافته و هندوستان ایرانی هم جذب آن شده‌اند، اسباب حیرت ناظران شده زیرا متن سایر سریال‌های موفق تلویزیونی کره طی دو دهه گذشته نیز بیشتر اتفاقات تاریخی و اغلب آمیخته با هنرهای رزمی بوده است. حال آن که «Squid Game» یا عبور از مرزهای فوق‌قدم به ناگجاآباد می‌گذارد و دنیایی پیش روی بینندگان می‌گذارد که هم نوعی آشکار از کاپیتالیسم غربی در آن جریان دارد و هم پرسه‌ای از اصلاح‌طلبی‌های مردمی و در چنین مسیر متضادی به تبیین ایرادهای طبقات و ترسیم مطالبی می‌پردازد که انواع مختلف سرمایه‌داری در دهه‌های اخیر برای مردم جهان به ارمغان آورده و دنیا را به نقطه فعلی رسانده و ترکیبی از یاس قابل فهم و

امیدواری غیر عقلانی را آفریده است.

▪ **آنها دست به هرکاری می‌زنند**

«بازی مرکب» به فراخور نام این مجموعه تلویزیونی براساس یک مسابقه سرعت انتقال و قدرت واکنش ساخته شده که شرکت کنندگان خیالی آن مردمان ناامیدی هستند که قرض کلانی به این و آن دارند و به‌همین سبب برای دستیابی به سرمایه‌های سریع و پولی فوری حاضرند دست به هر کاری بزنند. محل وقوع اتفاقات و بواقع مکان اجرای این مسابقه و شکل‌گیری قسمت‌های مختلف آن به جای این که در داخل استودیو و روی سایت‌های اینترنتی یا پارک‌ها و محوطه فروشگاه‌های بزرگ باشد، یک جزیره مهجور و کم‌سکنه است که در آن هم نوعی طراحی و مهندسی مدرن در ساخت عمارات مشاهده می‌شود و هم موسیقی استناد و قدمای کلاسیک مانند ترسیم مطالبی می‌پردازد که انواع مختلف سرمایه‌داری در دهه‌های اخیر برای مردم جهان به ارمغان آورده و دنیا را به نقطه فعلی رسانده و ترکیبی از یاس قابل فهم و

مجازات باختن در این مسابقه و حذف شدن از این روند نه سرکشگی و نه حتی جرمه سنگین مالی، بلکه «مرگ» است.

▪ **رودرو با گارد‌های نقابدار**

با این همه روند و پایه قصه این سریال نه خیلی پیچیده، بلکه ساده است و در مرکز ماجراها با کاراکتر سنونگ جی‌هون (با بازی لی جونگ‌جائه) آشنا می‌شویم که در پایان یک روز پرکار و پر زحمت به یک بازی ظاهراً کودکانه به نام تاکجی دعوت می‌شود. این بازی در شرایطی صورت می‌گیرد که او ساعاتی پیشتر پس از مضروب شدن به دست چند زورگیر و خلافکار و واگذاری کل پولی که در شرط بندی روی نتایج مسابقات سوارکاری به‌دست آورده بود، با روحیه‌ای منفی و افسردگی به محل انجام این رقابت می‌آید.

یک مرد غریبه که در اجرای بازی «تاکجی» استاد است، جی‌هون را به حضور در بازی ریسک‌آمیزی تشویق می‌کند که در آمد حاصل از آن می‌تواند به ۴۰ میلیون



مثبتی برای او نداشته باشد بلکه سبب ظلم سایرین در حق وی و متضرر شدن او از جهات مختلف شود. حتی وقتی رقیب اصلی او در این بازی نافرجام و «مسابقه مرگ» که یک دوست دوران کودکی وی به نام «چوسانگ وو» است به او می‌گوید این قدر غموخار سایرین نباشد و ابتدا غم خودش را بخورد، جی‌هون باز هم متنبه نمی‌شود و راه بی‌سرانجام خویش را ادامه می‌دهد. درست است که او به‌رغم تمامی این کاستی‌ها و «محسنتات تبدیل شده به عیب» و در تضاد با شرایط و پیچ و خم‌های این مسابقه برخضر از چند مرحله عبور و به دور نهایی ورود می‌زند، هیچ امنیت ولو نسبی را نیز نمی‌توان گرداگرد او رؤیت کرد و وی را در ساحل نجات خوشبختی دید.

▪ **تقلا برای یک دقیقه بیشتر**

در نهایت و با احتساب هرچیز که در پایان سریال برای کاراکتر اصلی روی می‌دهد، این سؤال روبه‌روی بینندگان و تمامی مردم جهان خودنمایی می‌کند که آیا با بساط بی‌رحمانه و زندگی فاقد اصولی که کاپیتالیست‌ها بر جهان حاکم ساخته‌اند، کوچک‌ترین راهی برای رستگاری انسان‌های در بند کشیده شده تصور و مقدور است و اگر تنها راه زنده ماندن کشتن کسانی است که اگر حذف نشوند قرعه حذف و مرگ به نام شما می‌خورد، آیا می‌توان روش زندگی و بافت اتفاقات رایج در غرب را یک زندگی قابل فهم دانست؟ اگر همه اینها تسانی و درک شدنی است، چگونه می‌توان به آینده کره خاکی امید بست و با این زندگی‌های مبتنی بر وحشیگری آینده‌ای قابل تحمل بود؟ بازی مرکب شاید یک بازی غریب و معادله خیالی و راز غیرمعقول باشد اما در قالب استعاره‌ها نیز نشانگر وضع اسفبار تشکیلاتی در غرب و بیانگر مصایبی است که مردم عادی تحمل می‌کنند تا در بازی مرگ محسوس و نامحسوسی که به راه افتاده، زندگی خود را ولو فقط یک دقیقه بیشتر استمرار بخشدن.

نگاهی به زندگی پر راز و رمز خالق «تاتور دشت»



زندگی‌نامه سلینجر / نوشته: پاول آکساندر / ترجمه: ژیلآ فرهادی / نشر ثالث

سلینجر از جمله نویسندگانی است که جایگاه ادبی‌اش را می‌توان در در این ادعا دانست که از کارگاه‌های داستان‌نویسی، نویسنده شاخصی در نمی‌آید. هرچند که حتی وجود چنین چهره‌های شاخصی هم نتوانسته این دعوای قدیمی را پایان ببخشد، اختلاف نظر میان آنهایی که افزون بر استعداد، به با اکتسابی بودن نویسندگی هم معتقد هستند در برابر آنهایی که اعتقادی به تأثیر کارگاه‌های داستان‌نویسی ندارند. «جروم دیوید سلینجر» مشهور به «جی.دی. سلینجر» از جمله استعداد‌های ادبیات داستانی امروز دنیاست که از قلب همین کارگاه‌های نویسندگی به‌عرصه جهانی ادبیات معرفی شد. درباره این نویسنده که بیش از همه به زمان «تاتور دشت» شناخته می‌شود، حال زندگینامه‌ای به قلم «پاول آکساندر» و به ترجمه «ژیلآ فرهادی» روانه کتابفروشی شده است. در این کتاب که با همکاری نشر ثالث در

اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته، به زندگی سلینجر پرداخته شده است. چرایی جذابیت این نوشته را می‌توان در زندگی پررمز و راز او جست‌وجو کرد، سلینجر هرگز میانه‌ای با رسانه‌ها نداشت، او حتی عزمی جدی هم بر دوری گزیدن از منتقدان و خوانندگان آثارش داشت. آنچنان که اطلاعات چندانی درباره زندگی شخصی‌اش در دست نیست، همین مسأله هم سبب دامن زدن به شایعه‌های گاه عجیب و غریبی شده که درباره سلینجر می‌گویند. با این حال او اهمیتی برای حرف و حدیث‌ها قائل نبود و تا واپسین سال‌های زندگی‌اش غرق نوشتن بود. این نوشته «پاول الکساندر» را می‌توان پاسخی به افسانه‌ها و ابهاماتی دانست که درباره زندگی‌اش شکل گرفته، تلاش برای ارائه تصویری واقعی از سلینجر. آنچه در این کتاب آمده، روایتی از وجوه مختلف زندگی خالق «تاتور دشت» است. این کتاب را از جهات دیگری هم می‌توان اثری قابل تأمل دانست؛ اینکه مخاطب با مطالبی درباره نوشته‌های او نیز مواجه می‌شود چرا که خوانه‌خواه زندگی شخصی و آثارش تا حد زیادی در هم تنیده شده‌اند. این کتاب گذشته از مقدمه، بیست بخش و البته قسمتی پایانی دارد که مطالعه آن به علاقه‌مندان ادبیات پیشنهاد می‌شود.

کتابستان



جواب صیوری شما را می‌دهد. در این صحنه پایانی آن بازیگران همراه با آهنگ به کمک فندک‌هاشان اجرای قابل قبولی از نور را در مقابله با تاریکی روی صحنه به تصویر می‌کشند که به نظر تمام حرف این نمایش است که به شکلی تأثیرگذار به مخاطب انتقال داده می‌شود و نشان می‌دهد که بدون دیالوگ‌های بسیار هم می‌شود مفاهیم را به مخاطب القا کرد. امکاناتی که به‌لحاظ نور و صدا و میزانشن در این نمایش وجود دارد می‌تواند آن را به یک تله‌تئاتر خوب تبدیل کند که البته بخشی از این موضوع با پخش اینترنتی آن تأمین شده اما باز هم می‌شود روی آن کار بیشتری کرد و به سویه‌های تصویری آن توجه بیشتری نشان داد.

▪ **نویسنده: مهدی زندیه**

▪ **کارگردان: سعید زارعی**

▪ **بازیگران: سعید زارعی، مهد جهان نوش، محمد امین افشار، سوبیل جعفری، الهه پورسوند، فاطمه صادق، علیرضا صمدزاده، فرناز حسین مردی، امیر امیری‌نیا، مرضی سالاری، بینا طالش، آمو قلندر، مریم**

▪ **بهم‌پور، فاطیما حسین زاده**

▪ **پخش: تلویزیون تئاتر ایران**